

Journal iranian political sociology

Vol. 4, No.2, Summer2021

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2021.258963.1357>

The effects of the Qatar Brotherhood discourse on developments in the Arab world during 2010-2018

Abstract:

Qatar, as one of the small and small countries in the Persian Gulf with large energy resources to which it has invested a lot of money, and of course the use of Al Jazeera media network in recent years has tried to get rid of Saudi Arabia and To create a new balance of power in the Middle East. Therefore, in addition to Al-Jazeera money and network, we should not ignore the intellectual foundations of the Muslim Brotherhood discourse in this country; Who infiltrated Qatar in the 1950s and the time of Sheikh Ali Abdullah Al Thani, and later in 1961, with the arrival of Sheikh Yusuf al-Qaradawi in Qatar, the country's leaders tried to use this discourse to alienate Wahhabism. Saudi Arabia and become one of the most powerful and influential countries in the Islamic world. What is presented in this article as the main issue and goal; Explaining the effects of he Qatar Brotherhood discourse on the developments in the Arab world known as the Islamic Awakening from 2010 to 2018. The article's findings show that Qatari leaders, unlike other GCC member states, have supported revolutionaries and protesters by supporting opponents of authoritarian regimes and working with media outlets such as Al Jazeera and supporting Brotherhood scholars and scholars. They see regional developments as a new opportunity to reduce regional threats and activate their foreign policy, and to gain political leadership in the Arab and foreign worlds by creating a new regional order.

Keywords: Qatar Brotherhood Discourse, Developments in the Arab World, Leadership of the Arab World, Al Jazeera, Islamic Awakening

پرتال جامع علوم انسانی

تأثیرات گفتمان اخوانی قطر بر تحولات جهان عرب طی سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸

صادق دانشور^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۶

عباس صالحی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۳۰

قاسم ترابی^۳

چکیده:

قطر به مثابه یکی از کشورهای کوچک و ذره‌ای در خلیج فارس با منابع کلان انرژی که سرمایه‌های بسیاری نصیب آن ساخته است و البته بهره‌گیری از شبکه رسانه‌ای الجزیره در سال‌های اخیر کوشیده است از سیطره عربستان سعودی رهایی یابد و به ایجاد موازنه قدرت جدیدی در منطقه خاورمیانه بپردازد. لذا علاوه بر پول و شبکه الجزیره، نباید از مبانی فکری گفتمان اخوان المسلمین در این کشور نیز غافل ماند؛ که در دهه ۵۰ میلادی و دوره شیخ علی عبدالله آل ثانی به این کشور نفوذ کرد و بعدها در سال ۱۹۶۱ با ورود شیخ یوسف القرضاوی به قطر، رهبران این کشور تلاش کرده‌اند، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های این گفتمان به غیریت‌سازی با وهابیت سعودی پرداخته و عنوان یکی از کشورهای قدرتمند و تاثیرگذار در جهان اسلام را به دست آورند. آنچه در این مقاله به عنوان مسئله و هدف اصلی مطرح شده است؛ تبیین تأثیرات گفتمان اخوانی قطر بر تحولات جهان عرب موسوم به بیداری اسلامی طی سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ می باشد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد؛ رهبران قطر بر خلاف سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، با حمایت از مخالفان رژیم‌های اقتدارگرا به حمایت از انقلابیون و معترضان پرداخته و با رسانه‌هایی همچون الجزیره و حمایت از پژوهشگران و علمای اخوانی تلاش کرده‌اند، تحولات منطقه‌ای را به مثابه فرصتی تازه برای کاستن از تهدیدات منطقه‌ای و فعال شدن سیاست خارجی خویش قلمداد کرده و با ایجاد نظم نوین منطقه‌ای رهبری سیاسی جهان عرب و خاورمیانه را از آن خود کنند.

کلیدواژگان: گفتمان اخوانی قطر، تحولات جهان عرب، رهبری جهان عرب، الجزیره، بیداری اسلامی

^۱ دانشجوی دکتری، رشته علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

^۲ استادیار و عضو هیات علمی، گروه علوم سیاسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

Salehi.abas@yahoo.com

^۳ دانشیار و عضو هیات علمی، گروه علوم سیاسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

حسن البنا به عنوان مؤسس و پایه گذار گفتمان اخوان المسلمین برای هژمونی دالهای گفتمان فکری اخوان، تلاش کرد به گسترش سازمانی اخوان المسلمین در سراسر جهان اسلام بپردازد. در واقع البنا به خوبی آگاه بود که اگر خود وی و باشخصیت انقلابی بخواهد سازمان را اداره کند، با فقدان وی اخوان و اندیشه‌های اخوان از بین می‌رود و لذا از همان ابتدا اندیشه اخوان را بر تشکیلات تقریباً منظم و جامع و رو به رشد استوار کرد، تا بانظمی سامانمند اندیشه اخوانی را توسعه دهند (الغوشی؛ ۱۳۷۷؛ ۴۰)

اخوانی‌ها در ابتدا با این تفکر که جوامع اسلامی به علت وجود حکومت‌های استبدادی دچار انحطاط شده و به همین علت رفتار استعمار بیگانگان گردیده اند، در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی به فعالیت پرداختند. پس از آن تفکرات و اندیشه اخوانی‌ها در بسیاری از مدارس دینی تدریس شد تا جایی که حتی گفته‌ها، نوشته‌ها، بیانیه‌ها و تمام مکتوبات حسن البنا که بعدها در کتابی تحت عنوان 'مجموعه الرساله' گردآوری شد، زیربنای آموزه‌های این مدارس دینی گردید.

«مسلمانان که خود را همیشه در پناه خلافت اسلامی آسوده می‌دیدند امروز در هجوم غرب و همچنین غرب فرهنگی خود را تنها می‌پنداشتند و به هر مجموعه‌ای که درصدد اقتدار بخشی به مسلمانان بود پناه می‌بردند. این بود که عموم مسلمانان سنی به اخوان در کشورهای مختلف روی و چهره خوبی نشان دادند» (دبیرخانه جهانی مقابله با جریانهای افراطی و تکفیری، ۱۳۹۶) بر همین اساس نیز گفتمان اخوان المسلمین در کشورهای اسلامی همانند سوریه، سودان، عراق، عربستان، شیخ نشین‌های حوزه خلیج فارس، کشورهای شمال آفریقا و حتی در ایران و برخی کشورهای غیر اسلامی به سازمان‌دهی و ایجاد شعبه‌ها و دفاتر تشکیلاتی اقدام کرد. (فرهی، ۱۳۹۵: ۱۱۰-۱۲۰) اما هم‌اکنون قطر در جنوب غرب آسیا و قلب خلیج فارس یکی از مهمترین کانون‌های فعالیت اخوان المسلمین به شمار می‌رود.

شبه جزیره کوچک قطر از یکسو با قرار گرفتن در قلب منطقه خلیج فارس و دسترسی آسان آن به دو طرف این منطقه، همچنین همسایگی با عربستان، نزدیکی به ایران و برخورداری از ذخایر درخور توجه گاز، از نظر سیاسی و اقتصادی دارای اهمیت است (جالینوسی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۶) به نظر می‌رسد مهمترین نکته در درک سیاست خارجی قطر و تشریح مبانی و اصول اولیه آن دقت در طبقه‌بندی این کشور به‌عنوان کشوری کوچک یا ذره‌ای در عرصه بین‌المللی و ویژگی‌های خاص اینگونه دولت‌هاست، زیرا کشورهایی کوچک مانند قطر ویژگی‌ها و آسیب‌پذیری‌های خاص خود را دارند که باعث بروز رفتارهایی خاص از آنها در عرصه سیاست خارجی، به ویژه اتخاذ راهبردهایی برای تضمین بقا و امنیت‌شان می‌شود. در این راستا، سیاست خارجی قطر نوعی واکنش به محدودیتهای آن در عرصه قدرت و تلاش برای فائق آمدن بر این مشکلات و محدودیتهاست. به علاوه اینگونه کشورها سعی میکنند از نقاط قوت و پتانسیلهای خود به صورتی مناسب و مفید استفاده کنند (مددی، ۱۳۹۲: ۹۳) قطر تنها کشور در خاورمیانه است که در سیاست خارجی خود هیچگونه خط قرمز، آرمان یا تابویی ندارد و میکوشد با گسترش شبکه روابط و تقویت پیوندهای خود با بازیگران مختلف، بقا و امنیت خود را تقویت کند، هرچند بسیاری از ابعاد روابط و اقدامات سیاست خارجی این کشور متناقض و متضاد تلقی می‌شود (رنجبر حیدری و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۱۷) رهبران دوحه قصد دارند، قطر از یک کشور کوچک در حاشیه جنوبی خلیج فارس به یک کشور بزرگ مطرح در مهمترین و قانونی‌ترین جغرافیای جهان اسلام تبدیل شود. در نهایت سوالات اصلی و فرعی تحقیق اینگونه بیان می‌شوند: رقابت بین گفتمان وهابیت‌گرای مورد حمایت عربستان و اخوان گری قطر و ترکیه چگونه تحولات عربی را طی سال‌های ۲۰۱۰ - ۲۰۱۸ تحت تاثیر

قرار داده است؟ سوال های فرعی: گفتمان وهابی گرایی بر چه اصول و محورهایی استوار است؟ گفتمان اخوان گرایی بر چه اصول و محورهایی استوار است؟

۲- چارچوب نظری؛ موازنه منطقه‌ای

۲-۱- مفهوم موازنه

منظور از موازن قدرت «حالتی از امور به صورتی که هیچ قدرت واحدی در وضعی نیست که دارای تفوق باشد تا بتواند برای دیگران قانون وضع کند» در واقع در بیشتر موارد منظور از توازن قدرت، معمولاً قدرت نظامی می باشد، اما این اصطلاح می تواند به سایر انواع قدرت در سیاست جهان نیز اشاره داشته باشد (متقی، ۱۳۹۲: ۷۰). مهمترین مبنای موازنه را می بایست در گرایش کشورها به سیاست حفظ وضع موجود مورد ارزیابی قرار داد. هرچند همه واحدهای سیاسی کوشش دارند موقعیت خود را در جنگ و صلح تثبیت نمایند، ولی این مسئله از اهمیت برجسته‌ای برخوردار است که تمام قدرت‌های آزاد به مداخله به نفع طرفی در جنگ تمایل دارند که به نظر می‌رسید در خطر بازنده شدن قرار دارد. تمامی کشورها از این موضوع نگران هستند که بازیگر جدیدی در صدد برآید تا موازنه قدرت را برهم زند. دوران‌های تغییر در موازنه قدرت، نشانه‌هایی از جنگ و بی‌ثباتی را منعکس می‌سازد. از آنجایی که برخی از کشورها تلاش می‌کنند تا معادله قدرت را تغییر دهند، به همین دلیل است که سایر بازیگران بر ضرورت حفظ تعادل از طریق ائتلاف‌سازی تأکید می‌نمایند (متقی، ۱۳۹۲: ۷۰).

مهمترین شرایط لازم برای تحقق موازنه قدرت عبارت‌اند از:

۱. بازیگران متعدد سیاسی: حداقل سه و حداکثر پنج قدرت مهم باید وجود داشته باشند تا یک نظام موازنه ی باثبات ایجاد شود. از آن‌جا که وجود کشور «موازنه دهنده» از اهمیت برخوردار است، چنین اظهار می شود که تعداد بازیگران بهتر است فرد باشد.
۲. فقدان یک قدرت مرکزی و مشروع: هیچ قدرت برتر و واحدی که دیگران را تحت سلطه‌ای خود قرار دهد، نباید وجود داشته باشد.
۳. توزیع نابرابر قدرت: میان بازیگران صحنه‌ی سیاست بین‌الملل نباید برابری قدرت وجود داشته باشد. این تفاوت موجب دسته‌بندی دولت‌ها به بزرگ، متوسط و کوچک می‌شود که از نخستین شرایط موازنه‌ی قوا محسوب می‌شود.
۴. رقابت مستمر اما کنترل شده‌ی مناقشات میان بازیگران سیاسی حاکم برای کسب ارزش‌ها و منابع کم‌یاب جهان.
۵. تفاهم میان رهبران قدرت‌های بزرگ درباره‌ی نفع مشترک ناشی از استمرار مکانیسم توزیع قدرت که شامل حفظ ثبات و تأمین امنیت و تداوم صلح می باشد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۷۸-۷۹)

۲-۲- کارکرد موازنه

موازنه قدرت به مثابه یکی از مهمترین موضوعات امنیتی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار می رود. نشانه‌های چنین روندی در سال‌های بعد از جنگ سرد، یعنی از سال ۱۹۹۱ به حوزه منطقه‌ای نیز گسترش پیدا کرده است. توازن منطقه‌ای در شرایطی شکل می‌گیرد که امکان همکاری جدیدی بین کشورهای اصلی سیاست بین‌الملل به وجود می‌آید. این امر نشان می‌دهد که بین توازن قدرت در سیاست بین‌الملل و همچنین توازن منطقه‌ای رابطه معنی‌داری وجود داشته است.

هیچ بازیگری (دولت ملت) نمی‌تواند مستقل از انتخاب‌های دیگر دولت‌ها، راهبرد بهینه‌ای برای خود انتخاب کند یا به کسب نتیجه مناسبی دست یازد. در واقع ضرورت‌های توازن منطقه‌ای ایجاب می‌کند که واحدهای سیاسی بتوانند کنش راهبردی خود را براساس جلوه‌هایی از تعامل‌گرایی و چندجانبه‌گرایی برجسته سازند. بنابراین بدون ایفای نقش موازنه‌گرا و مشارکتی، امکان همکاری چندجانبه بازیگران برای سازماندهی توازن منطقه‌ای امکان نخواهد داشت. این امر نشان می‌دهد که توازن منطقه‌ای از یک سو نیازمند مشارکت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است و از سوی دیگر، توازن منطقه‌ای با جلوه‌هایی از کنش عقلایی بازیگران حاصل می‌شود (متقی، ۱۳۹۲: ۶۷).

بنابراین مهمترین هدف مترتب بر موازنه قوا، حفظ صلح و امنیت با تکیه بر قدرت می‌باشد.

۲-۳- موازنه و امنیت

باری بوزان دو نوع موازنه را در سازماندهی امنیت منطقه‌ای ارائه می‌دهد. وی بر این اعتقاد است که موازنه قدرت به موازات موازنه هویت انجام می‌گیرد. سازماندهی موازنه منطقه‌ای به عنوان یکی از ضرورت‌های امنیتی در شرایط و محیط‌های بحرانی تلقی می‌شود. بنابراین در شرایط بحرانی و نا امنی هست که می‌توان به اهمیت و نیازهای توازن قدرت در فضای منطقه‌ای پی برد. این فرآیند به مثابه کنش سازمان‌یافته چندین بازیگر برای تحقق قدرت و امنیت در سطح منطقه‌ای می‌باشد. در این الگو، ترکیبی چند قطبی از کشورهایی وجود دارد که دارای روابطی سیال و براساس سود و زیان مقطعی هستند که در طول زمان ممکن است تغییر کند. در این الگو منطق موازنه قوا پذیرفته شده است و به طور کلی هیچ کشوری به طور دائم دوست و یا دشمن شناخته نمی‌شود. این الگو بر پایه تهدیدات آشکار و نهان نظامی استوار است، اما وجود این تهدیدات به معنی نادیده انگاشتن حاکمیت، منافع ملی و نگرانی‌های امنیتی سایر بازیگران نیست. در مورد همه کشورها سطوح مختلفی از منافع مشترک یا متعارض وجود دارد و وجوه مشترک تقریباً به همه کشورها در هر منطقه اجازه می‌دهد که براساس شرایط با یکدیگر متحد شوند. به موجب الگوی مزبور کشورها تا حدی دارای ارزش‌ها و منافع مشترکی هستند و از این‌رو، تعاریف مشابهی از امنیت و ثبات ملی دارند؛ در این چارچوب، کشورها موجودیت سایر بازیگران را به رسمیت می‌شناسند و اولویت‌های سیاسی کشورها به طور معقولی قابل پیش‌بینی و در طول زمان ثابت است (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۷).

۲-۴- تاریخچه شکل‌گیری و حضور اخوان المسلمین در قطر

با توجه به تمام ابهاماتی که در باب تاریخ ورود و حضور اخوان المسلمین در قطر وجود دارد، به جرات می‌توان گفت: خاندان آل ثانی و شیخ علی عبدالله آل ثانی، به عنوان حاکم قطر در دهه ۵۰ میلادی با نزدیک شدن به اخوان المسلمین و حمایت مالی از این گفتمان مذهبی فکری، سعی در بازتولید قدرت و ایجاد مشروعیت از طریق این گفتمان داشته‌اند.

کشور قطر یکی از مهم‌ترین کشورهایی است که مورد توجه اخوان واقع شده و از اصلی‌ترین حامیان اسلام اخوانی است (الصادق، ۱۴۳۷ق: ۱۲۴).

حضور رسمی اخوانی‌ها در قطر مصادف است با ورود «دکتر شیخ یوسف قرضاوی» رهبر معنوی اخوان المسلمین در ۱۹۶۱ به قطر که بعدها «عباس مدنی» رهبر جبهه نجات اسلامی الجزایر، «راشد الغنوشی» رهبر حزب النهضة تونس، «خالد مشعل» رئیس سابق دفتر سیاسی حماس و ... نیز با حضور در قطر در رسمیت بخشیدن به گفتمان اخوان المسلمین و نفوذ در ساختار اداری و آموزشی این کشور نقش اساسی داشته

اند. البته ورود اخوانی ها در قطر قبل از قرضای و ریشه در دهه ۱۹۵۰ دارد، چرا که از آن سالها تاکنون دنیا پر از اخوانی‌هایی بوده است که به دنبال پناهندگی بودند.

از دیگر شخصیت‌های اخوانی که با حضور خویش در قطر نقش گسترده‌ای در ترویج اندیشه اخوانی داشت می‌بایست به «عبدالمعزالستار» نماینده مخصوص «حسن‌البنّا» در فلسطین، اشاره کرد، که در اوایل دهه ۱۹۶۰ در نگارش کتب درسی برای سیستم نوپای مدارس قطری کمک‌های شایانی داشت. وی در سال ۱۹۶۴، به عنوان بازرس مدارس در قطر فعالیت آموزشی داشت و بعدها به عنوان رئیس بخش علوم اسلامی در آموزش و پرورش انتخاب شد. در فاصله سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۹ میلادی، کمال ناجی با اجرای مسئولیت‌هایی همانند؛ مدیر بخش آموزش، رئیس کمیته نشریات و مشاور روابط فرهنگی خارجی وزارت آموزش و پرورش در نفوذ و گسترش اندیشه‌های اخوانی به ایفای نقش پرداخته است. علاوه بر موارد فوق بسیاری شخصیت‌های اخوانی دیگر همچون احمد العسال، شیخ زهیر الشاویش، عزالدین ابراهیم و ... نقش مهمی در ایجاد موسسات و سیستم آموزشی قطر ایفا کرده و همچنین در ایجاد و کادرسازی سیستم اولیه بروکراسی قطر نقش اساسی داشته‌اند (Roberts, 2014)

در ادامه حضور و گسترش نفوذ اخوان المسلمین در قطر می‌بایست به شخصیت جاسم محمد سلطان اشاره کرد. جاسم محمد سلطان که شهروند قطر بود، در سال ۱۹۸۰ از دانشگاه‌های مصر در رشته پزشکی فارغ‌التحصیل شده بود. وی در دوران تحصیل در قاهره، به عضویت نهضت اخوان‌المسلمین در آمده بود و بعد سالها همکاری با اخوانی‌ها در مصر مسئولیت اخوانها در قطر را به عهده گرفت و موفق به ایجاد ارتباطی عمیق با خاندان حاکم و حتی دارای نفوذ گسترده‌ای در ساختار سیاسی، بدنه فکری، آموزشی، تعلیمی و رسانه‌ای قطر شده است. وی بعد از انحلال اخوان قطر، مشاور و استراتژیست شبکه خبری الجزیره و مشاور وزارت تعلیم و تربیت قطر است

(<https://www.goodreads.com/author/show/3098835>)

با قدرت یابی حمد بن خلیفه آل ثانی در راس حکومت قطر بهره‌گیری از اعضای اخوان در نهادهای اداری و آموزشی قطر افزایش یافت و دولت همراهی بیشتری در بعد داخلی و بین‌المللی با سیاست‌های اخوان به انجام رساند. دولت قطر با میزبانی از شخصیت‌های اخوانی و پناه‌دادن به آنان موقعیت منطقه‌ای خود را تحکیم بخشید. ایدئولوژی اخوان بسیار گسترده تر از تفکر وهابیت بود. از نظر عمل‌گرایانه، قطری که موقعیتی در سطح بین‌المللی و حتی نماینده‌ای در اجلاس‌های جهانی مسلمین نداشت، با میزبانی از اخوان، این امکان را به دست آورد تا خود را به عنوان سخن‌گوی اصلی این جریان معرفی نماید.

در بیان علل گسترش نفوذ اخوان المسلمین در قطر می‌بایست به دو نکته اساسی اشاره شود: اولاً؛ خاندان حاکم بر قطر همانند سایر شیخ نشین‌های منطقه در همراهی و حمایت از گفتمان اخوانی تلاش کرده است به ایجاد و استحکام مشروعیت خویش پردازد. «کشورهای خلیج‌فارس همیشه نگران رشد نیروهای سیاسی داخلی بوده‌اند. این نیروها به‌نظام جمهوری فرامی‌خوانند و رژیم‌های جمهوری مانند سوریه و مصر در دوره‌ای با جنبش اسلامی به نمایندگان اخوان‌المسلمین درگیر بودند. اما قطر این جریانات را نه تنها محل مشروعیت خود نمی‌دید، بلکه به‌عنوان حرکتی پوششی در جهت مشروعیت‌بخشی به‌نظام‌های سلطنتی خود مناسب می‌دیدند» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ۱۴۲)

ثانیاً؛ می‌بایست به اعتماد شیخ علی‌عبدالله آل‌ثانی در دهه ۵۰ به اخوان المسلمین اشاره شود که اخوانی‌های متواری از سوریه و مصر به قطر وارد شدند. و زمینه‌های بیشتر قطری‌ها با گفتمان اخوانی را فراهم آوردند. از مهمترین این افراد می‌بایست به شخصیت‌هایی همانند عمر عبید حسنه، عبدالبدیع صقر، عبدالعزیز عبدالستار

و دکتر احمد عسال اشاره کرد که همگی از تأثیرگذاران دهه ۵۰ میلادی در قطر هستند (دبیرخانه جهانی مقابله با جریانهای افراطی و تکفیری، ۱۳۹۶).

اخوان المسلمین با تربیت بوروکرات های قطری توانست جایگاه خود را با تأسیس یک نظام آموزشی جایگزین تحکیم کند. نتیجه این نظام آن است که امروزه در ساختار دولت قطر بسیاری از افراد طرفدار اخوان المسلمین حضور دارند.

از دیگر مزایای روابط خوب قطر با گفتمان اخوانی، برقراری روابط نزدیک با کشورهای واجد حکومت های اخوانی و یا نزدیک به اخوان المسلمین بوده است. به گونه ای که، اخوان المسلمین در ازای خدمات قطر به این جریان، به سیاست خارجی این کشور کمک می کنند. بدین ترتیب مبنای حمایت قطر از اخوان المسلمین، با منافع داخلی و منطقه ای این کشور در ارتباط است و در نتیجه، انتظار تغییر و تحول جدی در سیاست قطر در قبال جریان منطقه ای اخوان، انتظاری واقع بینانه نیست و به همین دلیل به رغم تلاش های ملک عبدالله، ارتباطات ویژه اخوان و قطر تداوم یافت. نکته محوری آن است که سیاست قطر در قبال اخوان المسلمین در منطقه، فرعی بر سیاست منطقه ای این کشور و تلاش آن برای استقلال جویی در برابر عربستان است. چنانچه این گزاره را بپذیریم که اخوان المسلمین به استقلال جویی قطر در برابر ریاض کمک کرده است در آن صورت قطر به دشواری گذار از این ابزار را خواهند پذیرفت. حتی در دوره ای که قطر برای کاهش تنش با کشورهای شورای همکاری، پس از فراخوانده شدن سفر از دوحه، تلاش می کرد، این کشور به رغم ظاهر فاصله گرفتن از اخوان المسلمین در عمل امکانات خود را همچنان در اختیار جریان اخوانی قرار می داد. به عبارتی قطر از یک سو از تعداد ناچیزی از رهبرای سرشناس اخوانی خواستار خروج از قطر می شود در حالی که صدها اخوانی دیگر در قطر حضور دارند و فعالیت خود را بدون وقفه ادامه می دهند. (پایگاه تحلیلی خبری الوقت، ۱۳۹۷)

در واقع امروزه فعالیت های اخوان قطر تماماً غیررسمی ولی بسیار فراتر از تمامی ساختارهای اخوانی در دیگر کشورهای اسلامی با تمام تشکیلات عریض و طویل است.

طی دو دهه گذشته، دولت قطر سیاست حمایت از جریان های اسلامی را در دستور کار خود قرار داده که این مسئله سبب شده است فعالان سیاسی اخوان المسلمین در قطر جمع شوند لذا اخوان المسلمین بیش از هر زمان دیگری در نهادهای دولتی قطر نفوذ کرده است. مواضع قطر در مورد اخوان المسلمین در تضاد آشکار با سیاست های سعودی و همگرایی با سیاست های اردوغان و ترکیه است. (سلیمان، ۱۴۳۷: ۵)

۳- روش تحقیق:

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و به احاط گردآوری اطلاعات، روش اسنادی و از طریق مطالعه مراجع و منابع معتبر انجام شده و اطلاعات بدست آمده بصورت توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

فرضیه های تحقیق عبارتند از:

فرضیه اصلی: رقابت بین وهابی گری مورد حمایت عربستان و اخوانی گری مورد حمایت ترکیه و قطر باعث انحراف تحولات عربی از دموکراسی خواهی به سوی بی ثباتی و جنگ داخلی بوده است. (لیبی و سوریه)
فرضیه های فرعی:

۱-گفتمان وهابی گرایی ادعای حقانیت، منحصر بودن و خلوص دارد و دیگر مذاهب اسلامی را عاری از این ویژگی ها می داند، و بر خود واجب می داند احکام آسمانی را بر زمین جاری سازد و اعمال قتل، ذبح، گردن

زدن و بریدن سر انسان های بی گناه را به عنوان قربانی برای خداوند متعال در ازای اعمال ظالمان، شرعی می داند.

۲- جایگاه گفتمان اخوانی در سیاست خارجی کشورهای عربی از جمله مصر و قطر منجر به وقوع و تکوین انقلاب های عربی شده است.

۴- یافته ها : تاثیرات گفتمان اخوانی قطر در تحولات جهان عرب موسوم به بیداری اسلامی

حمایت از اخوان المسلمین و اعطای کمک های مالی به اجلاس های جهانی مسلمین و بعدها، گسترش ایدئولوژی اخوان از طریق شبکه تلویزیونی الجزیره، جایگاه مهمی برای قطر در مسائل اساسی جهان اسلام و منطقه ایجاد کرد. سرانجام با آغاز موج بیداری اسلامی موسوم به بهار عربی بهترین فرصت برای قطر که در طی سالهای اخیر به شماری از شخصیت های اخوانی پناهنده گی و امکانات آموزشی و رسانه ای داده بود، جهت گسترش ایده ها و تحکیم موقعیت خویش در منطقه فراهم گشت.

قطر با ژئوپلیتیک رسانه ای خود که از روز اول به یاری انقلابیون شمال آفریقا از جمله تونس و مصر شتافته بود و با این کار باعث دشمنی کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله عربستان و امارات علیه خود شده بود، با برکناری مرسی و روی کار آمدن السیسی، رابطه اش با مصر به هم خورد.

اما قطر با بهره گیری از ظرفیت های گفتمان اخوان المسلمین، تلاش کرده است، در بسیاری از کشورهای منطقه به مداخله و افزایش موقعیت منطقه ای خویش بپردازد. که در ادامه این مهم مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۴-۱- مصر:

در حالیکه مرکز اصلی و نقطه شروع اخوان المسلمین توسط حسن البنا در مصر می باشد، اما این گفتمان همواره در مصر مورد تعقیب و فشار بوده و بسیاری از اعضای آن در ادوار مختلف از دوره جمال عبدالناصر، انورسادات و حسنی مبارک در زندان و حبس به بسر برده اند. بر همین اساس روابط مصر و قطر نیز از همان دوره جمال عبدالناصر تا پایان دوران حسنین مبارک در سال ۲۰۱۱ نامناسب و تیره بوده است. در واقع با توجه به حمایت های قطر از اخوانی های رانده شده از مصر، حمایت شیخ حمد آل ثانی امیر وقت قطر از حماس و روابط قطر با ایران، قاهره و دوحه روابطی باهم نداشتند. سرانجام با سقوط مبارک در سال ۲۰۱۱ و پیروزی جنبش مردمی این کشور، اخوان در انتخابات بعد از سقوط رژیم مبارک در فضایی نسبتاً آزاد توانست تعداد قابل توجهی از کرسیهای پارلمان جدید را به همراه ریاست دو مجلس الشعب- ۲۲۸ کرسی - و شورا- ۱۰۵ کرسی- و پست ریاست جمهوری، به خود اختصاص دهد (محمودیان، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

قدرتیابی اخوانی ها در مصر موجبات بهبود روابط صمیمی میان دوحه و قاهره را فراهم ساخت. قطر بعد از روی کار آمدن اخوان المسلمین اعلام کرد که ۱۸ میلیارد دلار طی سالهای آینده در مصر سرمایه گذاری خواهد کرد. (مشرق نیوز، ۲۸ خرداد ۱۳۹۸) بر همین اساس محمد مرسی یک ماه بعد از کسب قدرت به قطر رفت و بعد از آن نیز رفت و آمدهای گسترده ای میان طرفین برقرار شد. اما با کودتای نظامی علیه مرسی و سقوط وی، مجدداً روابط میان دو کشور به سردی گرایید. زیرا عدلی منصور و بعد از ایشان عبدالفتاح السیسی در مصر، قطر را به حمایت از اخوان المسلمین و دخالت در امور داخلی مصر متهم کرده اند. دوحه نیز علاوه بر اینکه با ابزار رسانه ای خود یعنی الجزیره به شدت به مصر حمله کرد و روی کار آمدن السیسی را مورد هجمه قرار داد. در پرونده لیبی و حملات جنگنده های مصری به لیبی نیز به شدت انتقاد کردند (خبرگزاری مهر، ۲ تیر

(۱۳۹۵)

قطر برای پیشبرد اهداف منطقه ای خویش در قبال بعد از سقوط محمدمرسی با بهره گیری از گفتمان و شخصیت های اخوانی همواره با شبکه الجزیره به تقابل با سیاست های مصر روی آورده است. علاوه بر این قطر از شورای همکاری خلیج فارس علیه مصر بهره برداری می کند. زیرا قطری ها معتقد هستند که با طرح جاسوسی علیه آنها در واقع علیه یک عضو شورای همکاری خلیج فارس عمل شده است.

۴-۲- لیبی:

نقشی که قطری ها در روزهای آغازین انقلاب لیبی ایفا کردند، بسیار حساس بود. این کشور در خط مقدم اقدامات اتحادیه عرب برای واداشتن سازمان ملل به ایجاد منطقه پرواز ممنوع قرار داشت و صدور قطعنامه پیشنهادی آنها راه را برای عملیات هوایی ناتو و تغییر روند جنگ و در نهایت تعیین سرنوشت قذافی هموار کرد. قطر، انقلابیون را به سلاح و تمام تدارکاتی که برای جنگ با نیروهای قذافی نیاز بود، اعم از تدارکات لجستیکی، بیسیم و خودرو تجهیز کرد و زمانی هم که مشخص شد انقلابیون حریف هواداران قذافی نیستند آنها با ارسال سلاح های سنگین نظیر موشک های ضدتانک فرانسوی و آموزش انقلابیون و اعزام کارشناس نظامی به لیبی حمایت خود را تداوم بخشیدند

(روزنامه جام جم، چهارشنبه ۵ بهمن ۱۳۹۰: ص ۱۰)

قطر در کنار امارات عربی متحده و اردن، در ائتلاف نظامی علیه لیبی نقش فعال داشت و به لیبی جنگنده هم ارسال کرد و کوشید از رهگذر این جنگ به عنوان قطبی مؤثر در معادلات منطقه ای و بین المللی ظاهر شود. با توجه به اختلافاتی که هم اکنون در لیبی وجود دارد این کشور به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شده است. در بخش غربی با مرکزیت طرابلس دولتی موسوم به «دولت وفاق ملی» به ریاست «فایز السراج» بر سرکار آمده که مورد تایید و حمایت سازمان ملل متحد است و در بخش شرقی «خلیفه حفتر» ژنرال بازنشسته ارتش کنترل امور را در دست گرفته است. فایز السراج از پشتیبانی ترکیه، قطر و برخی کشورهای اروپایی همانند ایتالیا برخوردار است. ژنرال حفتر هم خود را تحت حمایت عربستان، مصر، امارات و برخی دیگر از کشورها همانند روسیه می بیند.

۴-۳- یمن

اخوان المسلمین از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی در یمن نیز حضور یافتند و در حکومت عبدالله صالح از نقش برجسته ای در امور فرهنگی و آموزشی برخوردار شدند. از سال ۲۰۰۸ در تحولات یمن حضور داشتند اما به جهت عدم انسجام فکری و حزبی موفق به پیشبرد اهداف خویش نشدند. «از سال ۲۰۰۸ به بعد ایده «ملت سقوط نظام را می خواهد» شکل گرفت که اوج بهار یمنی می باشد. این دوره، دوره انقلاب ملی دموکراتیک و مسالمت آمیز است که از سال ۲۰۰۸ شروع شده و تا ۲۰۱۲ ادامه پیدا کرد. در این دوره برای تغییر تلاش کردند تا آن را مدیریت کنند. اما آنان فاقد نظریه ی تغییر بودند و سعی داشتند تا بحث جهاد را به رای خود تغییر دهند و به انسداد سیاسی پایان دهند. اما در این حوزه فاقد نظریه بودند.» (پایگاه تحلیلی خبری الوقت: ۱۳۹۷)

لذا با توجه به روابط خوب میان اخوانی یمن با عنوان «حزب الاصلاح» و شیعیان این کشور به نام انصارالله، قطر نیز حمایت های ضمنی از انصارالله و شیعیان داشت، (الموصلی، ۱۴۲۵: ۱۴۲). اما بعد از آنکه قدرت و نفوذ شیعیان حوثی با حمایت های جمهوری اسلامی ایران در مرزهای قطر و عربستان شدت بیشتری گرفت، ترس از قدرت یابی و گسترش نفوذ منطقه ای ایران، قطر را به دامن عربستان غلطاند. بگونه ای که قطر حتی از حمایت و کمک به اخوانی های یمن نیز چشم پوشید و در مشارکت با عربستان برخی دیگر کشورهای منطقه

همانند امارات متحده عربی، اردن و بحرین و ... به حمله نظامی علیه یمن مبادرت ورزید. (Sharp, 2017,)
12

در واقع، مقابله با نفوذ ایران گسترش گفتمان مقاومت در عراق، لبنان، سوریه و نزدیکترین همسایه‌های خود یعنی بحرین و یمن از مهمترین اهداف قطر در همراهی با ریاض در منطقه به شمار می‌رفت. (Nunlist, 2015, 2

بعد از آنکه در سال ۲۰۱۷ اختلاف عمیقی میان عربستان و قطر به وقوع پیوست و تحریم قطر از سوی عربستان، امارات، بحرین و مصر را به دنبال داشت، قطر با کسب حمایت ترکیه، تلاش کرده است اخوانی‌های یمن را مجدداً تقویت در برابر پیشروی نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان در یمن به مقابله بپردازد. لذا بسیاری از تحلیلگران بر این اعتقادند که اخوانی‌های یمن می‌خواهند از پیشروی‌های پیمان عربی و نیروهای وابسته به عبدربه منصور هادی بهره برداری کرده و سپس آنها را از عرصه سیاسی یمن کنار بزنند و احتمالاً در نهایت به طور انفرادی و به دور از دیگر نیروهای سیاسی به مذاکره با حوثی‌ها بنشینند و کیک قدرت را با آنها تقسیم کنند. (پایگاه تحلیلی خبری الوقت، ۱۳۹۷)

۴-۴- تونس:

پس از پیروزی انقلاب مردمی در تونس و فرار زین العابدین بن علی، دیکتاتور پیشین این کشور به عربستان، قطر با نقش آفرینی خود در تحولات منطقه ای و به نیابت از حکومت‌های منطقه منصف المرزوقی را بر مسند ریاست جمهوری در تونس نشانند، در واقع با توجه به نارضایتی نیروهای انقلابی که تمایلی به حضور مرزوقی و اخوانی‌ها در رأس قدرت، امیر قطر کلید کاخ ریاست جمهوری را به مرزوقی سپرد. (خبرگزاری شبستان: ۱۰/آذرماه ۱۳۹۳)

اما با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری تونس و پیشی گرفتن السبسی، نامزد حزب النداء بر المرزوقی اوضاع برخلاف میل قطر رقم خورد. اما قطری‌ها با روابط گرمی که با راشد الغنوشی، رهبر جنبش النهضه جریانی وابسته به اخوان المسلمین، دارند، این مهم می‌تواند دست قطری‌ها را برای دخالت و نقش آفرینی در عرصه سیاسی تونس باز بگذارد.

۵- جمع بندی و نتیجه گیری

با آغاز قرن بیست و یکم قطر تلاش کرده خود را به مثابه بازیگری فعال در منطقه بشناساند و در مسائل و تحولات منطقه‌ای در تقابل با قدرت‌هایی همانند عربستان سعودی، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران نقشی اساسی برای خویش قائل شود. به بیان دیگر این کشور کوشیده است سیاستی مستقل و برتری جویانه در سیاست خارجی خود اتخاذ کند. اما با توجه به وسعت اندک سرزمین، موقعیت جغرافیایی و نیروی نظامی، دولتمردان قطر به این واقعیت پی برده و واقفند که اگر بخواهند سیاست خارجی فعال و موفقی را در پیش بگیرند باید بر روی نوع دوم قدرت، یعنی قدرت نرم (فرهنگی، رسانه‌ای) و منابع اقتصادی کشور، سرمایه‌گذاری بیشتری داشته باشند.

قطر در دو دهه اخیر نقش فعالی در بحرانهای منطقه ای داشته و تلاش کرده است تا از طریق ترکیبی از دیپلماسی و سرمایه گذاری نفوذ خود در دولت‌های منطقه را افزایش دهد. لذا با شروع قیامهای عربی موسوم به بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ آن را فرصتی دانست که می‌تواند از آن برای تحکیم موقعیت و امنیت خود و توازن قوای منطقه ای استفاده کند.

آنچه در سیاست خارجی قطر در سالهای اخیر مشخص است اینست که این کشور قصد ندارد دنباله رو و تابع دیگر کشورهای قدرتمند منطقه باشد و می‌کوشد با بهره‌گیری از همه مؤلفه‌های قدرت به نقش آفرینی فعالانه در عرصه منطقه‌ای و حتی بین‌المللی بپردازد. لذا شبکه رسانه‌ای الجزیره در قطر از طریق پوشش‌های خبری تلویزیونی خیزش‌های مردمی و درگیری‌های توده‌ای، نقشی محوری در شکل دادن به فرهنگ انقلابی توده‌ای در سراسر منطقه داشته است. این رسانه در حال حاضر از رسانه‌های تأثیرگذار و محوری عربی است که به ابزاری مهم برای اهداف سیاست خارجی و گفتمانی اخوانی این کشور تبدیل شده است. گفتمان اخوانی قطر با بهره‌گیری از بازوی رسانه‌ای الجزیره از اعتراضات مردمی و سقوط حکومت‌های استبدادی همانند حسنی مبارک در مصر، معمر قذافی در لیبی و بن علی در تونس حمایت کرده است. این در حالی می‌باشد که کشور قطر در تقابل با تحولات سوریه رویکردهای مختلفی از مداخله، حمایت و مخالفت ابراز داشته‌اند.

بر اساس این مدل، قطر یکی از کشورهایی است که در چند سال اخیر با ایفای نقش‌هایی فراتر از جایگاه و ظرفیت‌هایش، توانسته است، وزن و تأثیرگذاری خود را از سطح یک کشور کوچک و ذره‌ای به سطح فعال منطقه‌ای و شرکت در ائتلاف‌های بین‌المللی برساند.

بنابراین با شروع تحولات جهان عرب و قیام آن‌ها بر علیه حکام مستبد، حمایت قطر از اراده ملت‌های عربی نیز عینیت بیشتری پیدا کرد. دوحه همواره با رویکرد اندیشه‌های اخوانی سعی در حمایت از گروه‌های اسلامی با همین اندیشه‌ها در کشورهای منطقه داشته است و با رشد و فعالیت تفکرات اخوان‌المسلمین تلاشی جدی را در ایجاد جریانی موازی در مقابل عربستان به کار بسته است، که در این رابطه عربستان به حجه‌های تند و همه‌جانبه همراه با متحدان خود، دولت قطر را تحت فشار قرار داده‌اند تا از این طریق از دایره نفوذ قطر در کشورهایی با اندیشه‌های اخوانی کاسته شود. اما در مقابل تمام تلاش قطر این است که با ترویج گفتمان اخوانی انزوای گفتمان وهابیت بپردازد و بجای مصر مهمترین کانون گفتمان اخوانی و جریان فکری جهان اهل سنت را در دست داشته باشد بر همین اساس نیز، از جریان اخوان در فلسطین، لیبی، تونس، مصر و... حمایت به عمل آورده و پرچم‌دار گفتمان اهل سنت در برابر وهابیت باشد. در ادامه این روند قطری‌ها با تکیه بر توانایی اتحادیه علماء جهان اسلام در دوحه و شخصیت‌هایی نظیر یوسف القرضاوی (رئیس اتحادیه) و دکتر شیخ علی قره داغی کردستانی (دبیرکل اتحادیه)، همراه با منابع عظیم مالی و هژمونی رسانه‌ای درصدد هستند تا با زمینه‌سازی مناسب، جریان فکری اهل تسنن را به شکوفایی برسانند و ضمن به چالش کشاندن گفتمان وهابی، اهل سنت را از زیر سیطره عربستان و وهابیت برهانند.

از اینرو قطر با هدف ارائه الگوی نظم‌جانشین در منطقه با اندیشه اخوانی‌گری درصدد مداخله و نقش‌آفرینی در تحولات منطقه برآمده و با تکیه بر قدرت نرم خود در راستای تأمین اهداف و منافع منطقه‌ای خود گام برمی‌دارد.

- ۱- ابراهیمی، نبی‌الله، (۱۳۹۱) «اخوانیگری و سیاست خارجی قطر در قبال انقلابهای عربی ۲۰۱۱»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۵، پیاپی ۵۵.
 - ۲- جالینوسی، احمد؛ سادات طباطبایی، یگانه؛ البرزی، هنگامه، (۱۳۹۴)، «نقش آفرینی قطر در منطقه خلیج فارس با توجه به مناقشات اخیر خاورمیانه» فصلنامه علمی - ترویجی بیداری اسلامی، شماره ۴.
 - ۳- جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۲) اخوان المسلمین خلیج فارس، تهران، موسسه اندیشه‌سازان نور.
 - ۴- روزنامه جام جم، ۱۳۹۰/۵/۱۰، پایان ماه عسل قطر و انقلابیون لیبی، مترجم: ایرج جودت.
 - ۵- سلیمان، محمد، ۱۴۳۷ق، هل یسیر تنظیم الاخوان المسلمین الی الانهیار الداخلیا؟، معهد واشنتن، تحلیل السياسات
 - ۶- الصادق، محمد، ۱۴۳۷ق، الاخوان و السعودیه، العوده المشروطه، جریده العربیة الجدیدة اللندنیة، لندن
 - ۷- عالیشاهی، عبدالرضا، حسین مسعودنیا، یونس فروزان (۱۳۹۶) بررسی روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی؛ از تبیین همگرایی تا گسست سیاسی (از بیداری اسلامی تا بحران قطع روابط سیاسی در ژوئن ۲۰۱۷) فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۴، پائیز.
 - ۸- الغنوشی، راشد، (۱۳۷۷) حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلام، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، نشر: انتشارات اطلاعات.
 - ۹- فائز الفواز، أحمد. ۱۴۳۶ المسئلة السوریة: سؤال المصیر والمستقبل: الحراک الشعبی فی سوریه، الجدلیه. ۱۰ رمضان
 - ۱۰- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۶) روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران، انتشارات سمت.
 - ۱۱- متقی، ابراهیم (۱۳۹۲) تحول رهیافت موازنه قدرت در نظم های منطقه ای: هویت گرایی در برابر ساختارگرایی، راهبرد سال بیست و دوم تابستان ۱۳۹۲ شماره ۶۷.
 - ۱۲- مددی، جواد، (۱۳۹۲)، الگوی رفتاری قطر در قبال خیزشهای عربی، مطالعات راهبردی جهان اسلام. شماره ۱۴ (۵۵)
 - ۱۳- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶) تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران، سمت.
 - ۱۴- الموصلی، احمد. ۱۴۲۵. موسوعه الحركات الإسلامیه فی الوطن العربی و ایران و ترکیا. بیروت: انتشارات الثاني.
- 15- Cockburn, Patrick. 2014. Iraq crisis: How Saudi Arabia helped Isis take over the north of the country. *The Independent*. 12 July 2014.
 - 16- David Roberts, "Qatar and the Brotherhood" 2015. *Survival*: <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/00396338.2014.941557>
 - 17- David Roberts, "Qatar and the Muslim Brotherhood: PragMatisM or Preference?", 2014, Middle East Policy: <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/full/10.1111/mepo.12084>
 - 18- Katari. Ravi. 2013. "Medical Neutrality and Solidarity in the Syrian Armed Conflict". *The Journal of Global Health*. Vol 6. No 3. pp 1-14.
 - 19- Khalaf, Roula and Abigail Fielding Smith (16/5/2013), "Qatar bankrolls Syrian revolt with cash and arms", from: <https://www.ft.com>.
 - 20- Nunlist, Christian.. 2017. "War in Yemen: Revolution and Saudi Intervention". *Journal of CSS Analyses in Security Policy*. No 175. pp 1-11.
 - 21- Philips, Christopher. 2017. "Syria and Its Neighbors: Chatham House Special Section". *Journal of Middle East Policy*. Vol 24. No 1. pp 35- 70.

- 22- Sharp, Jeremy. 2017. "Yemen: Civil War and Regional Intervention. Specialist in Middle Eastern Affairs". Congressional Research Service.
- 23- Stuster, Dana. 2017. "U.S. and Iran Compete in Eastern Syria, Qatar and Saudi Arabia Renew Old Feud, and More Fighting in Libya after Attacks in Manchester and Minya". Middle East Ticker. May 30. 2017.
- 24- Weinberg, David Andrew. 2015. *Terrorist Financing: Kidnapping, Antiquities Trafficking and Private Donations*. Washington DC: Center for Defense of Democracies.

منابع اینترنتی:

- پایگاه تحلیلی خبری الوقت: ۱۳۹۷ /132014 /fa/Mainstreaming /alwahabiyah.com
- دبیرخانه جهانی مقابله با جریانهای افراطی و تکفیری، (۱۳۹۶)، اخوان المسلمین قطر؛ حرکتی خزنده،
<http://makhaterltakfir.com/fa/Mainstreaming/View/2414>
- خبرگزاری مهر، ۲ تیر ۱۳۹۵، روابط قطر و مصر چگونه خزان شد/ واکاوی ریشه های اختلافات،
<https://www.mehrnews.com/news/3691091>
- خبرگزاری شبستان ، ۱۰ / آذرماه ۱۳۹۳، مداخله قطر در انتخابات ریاست جمهوری تونس،
<http://shabestan.ir/detail/News/421013>
- مظاهری، محمد مهدی، (۱۳۹۶/۳/۳۱) «قطر؛ بازی منافع با کارت قدرتهای منطقه‌ای»
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1969450>
- مشرق نیوز، ۲۸ خرداد ۱۳۹۸، سقوط مرسی و پشت پرده ورود نظامیان به قدرت در مصر،
<https://www.mashreghnews.ir/news/967768>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی